

روایت جامعه محلی از مسائل مدیریتی آب در منطقه حسنلو، واقع در حوضه آبریز دریاچه ارومیه

یونس اکبری^۱

سعید طالع شایان^{۲*}

سروش طالبی اسکندری^۳

چکیده

در عصر حاضر، به علت افزایش جمعیت و کمبود آب، مدیریت منابع آب در مقایسه با گذشته فرایندی بسیار دشوار شده است. امروزه این مفهوم پذیرفته شده است که مسائل آب فقط «طبیعی» یا «فنی» نیست، بلکه مسائلی چندبعدی و بین‌رشته‌ای است. یکی از ابعاد مهم درباره مسائل آب، مسائل اجتماعی مرتبط با این موضوع است. در این زمینه، ضرورت بینش اجتماعی برگرفته از متن جامعه به سیستم‌های مدیریتی آب روزبه‌روز بیشتر احساس می‌شود. در مقاله حاضر، با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای، سعی شده است مسائل مربوط به آب از دیدگاه جامعه محلی مطرح شود. نتایج پژوهش حاکی از آن است که تأثیر متقابل ساخت سد حسنلو و مسائل مدیریتی منطقه سبب تولید نارضایتی در جامعه محلی شده و پیامد این عوامل موجب نگرش منفی و استفاده هرچه بیشتر از منابع آب، بدون توجه به مسئله کمبود آن، در میان جامعه محلی شده است. چنین وجه نظری نه تنها برخاسته از نگرش خیرمحدود به منابع است، بلکه عامل تشدیدکننده این وجه نظر نیز هست.

واژگان کلیدی: مدیریت منابع آب، منطقه حسنلو، خیرمحدود، نظریه زمینه‌ای.

مقدمه

ارومیه است، موجب اهمیت این شهرستان به لحاظ میزان آب‌های سطحی در داخل حوزه آبریز شده است. ساخت سد حسنلو، با معایب فنی و اجتماعی در این شهرستان، یکی از معضلات به وجود آمده در حوزه آبریز دریاچه ارومیه محسوب می‌شود. این سد، با حجم مخزن ۹۴ میلیون مترمکعب و با طول تاج ۵۲۸۰ متر، سدی خارج از بستر رودخانه بوده و در دهستان حسنلو بر

مدیریت منابع آب چندبعدی (انسان، جامعه و محیط‌زیست)، چندلایه‌ای (ملی، منطقه‌ای و محلی)، و چندبخشی (انرژی، غذا و شرب) است (Tale'shayan, 2016). شهرستان نقده یکی از مناطقی است که چندبعدی و چندبخشی بودن این مدیریت به وضوح در آن مشاهده می‌شود. عبور رودخانه گذار از این شهرستان، که یکی از رودخانه‌های مهم در تأمین آب دریاچه

۱. پژوهشگر پژوهشکده سیاست‌گذاری علم، فناوری و صنعت دانشگاه صنعتی شریف و دانشجوی دکتری توسعه اجتماعی روستایی دانشگاه تهران؛

۲. پژوهشگر پژوهشکده سیاست‌گذاری علم، فناوری و صنعت دانشگاه صنعتی شریف و دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی عمران- مدیریت منابع آب دانشگاه کردستان؛ shayan_saeed@yahoo.com

۳. پژوهشگر پژوهشکده سیاست‌گذاری علم، فناوری و صنعت دانشگاه صنعتی شریف؛

۱. روش نمونه‌گیری

هدف تحقیق کیفی دستیابی به فهمی از ماهیت و شکل پدیده مورد مطالعه برای بازگشایی معنا، توسعه توصیف‌های ضخیم، تولید ایده‌ها، مفاهیم و عناصر متشکله، رویدادها، فرایندها و مانند آن است که در نهایت، به تهذیب و اطلاع‌بخشی این تفهم کمک کند. این اصل نمونه‌گیری کیفی را «بازنمایی نمادین» می‌خوانند، زیرا واحدی خاص انتخاب می‌شود، در اینجا واحد سد حسنلو و روستاهای متأثر این سد، تا مشخصه‌های مناسب بررسی را هم «بازنمایی» و هم «نمادسازی» کند. به علاوه، نمونه باید تاحد امکان در محدوده‌های جمعیت تعریف‌شده متنوع باشد که این اصل از طریق دخیل کردن چند فاکتور، از جمله قومیت، بالادستی، میان‌دستی و پایین‌دستی، در قبال سد حسنلو اعمال شده است. این تنوع به دو علت است: نخست اینکه شانس شناسایی طیف نسبتاً کاملی از عوامل یا مشخصه‌های مرتبط با پدیده را به حداکثر برساند؛ دوم، امکان بررسی وابستگی متقابل بین متغیرها و عواملی را که بیشترین تناسب را دارند، در مقابل آن‌هایی که اهمیت کمتری دارند، میسر سازد (Mohammadpour, 2013b, 34). در واقع، معیار ورود انتخاب روستاها در منطقه حسنلو ارتباط آن‌ها با دریاچه ارومیه و تأثیر و تأثر آن‌ها بر فرایند کاهش و افزایش ذخیره آبی دریاچه بوده است. نمونه‌گیری کیفی یا هدفمند به انواع و راهبردهای مختلفی تقسیم می‌شود که مطابق با موضوع و فرایند تحقیق می‌توان از آن‌ها بهره برد. در این پژوهش از نمونه‌گیری هدفمند ترکیبی^۳ استفاده می‌شود.

۱-۱. نمونه‌گیری هدفمند ترکیبی

در وهله نخست می‌توان گفت: «تکنیک‌های نمونه‌گیری هدفمند عمدتاً و مقدمتاً در روش‌های کیفی استفاده می‌شوند و عبارت‌اند از گزینش واحدهایی خاص (در اینجا سد حسنلو و روستاهای متأثر از آن) مبتنی بر اهداف خاص (یافتن ایده برای کمک به احیای دریاچه ارومیه) مرتبط با پاسخ به سؤال‌های خاص تحقیق (چگونگی استفاده مردم از آب دریاچه، به شکلی که هم کشاورزی و معیشت مردم آسیب نبیند و هم آب بیشتر به دریاچه برسد). جانسون^۴ و کریستنسن^۵ بیان می‌کنند که در نمونه‌گیری هدفمند «محقق ویژگی‌های جمعیت مورد علاقه را مشخص و افراد دارای این مشخصات را پیدا می‌کند» (Mohammadpour, 2013b, 32).

در این نوع نمونه‌گیری، پژوهشگر به ترکیب و استفاده از چند

روی گودالی طبیعی (تالاب حسنلو) ساخته شده است. ساخت این سد در سال ۱۳۷۵ آغاز شد و در سال ۸۵ شبکه آبیاری آن کم‌کم به بهره‌برداری رسید و سال‌به‌سال به وسعت اراضی آن افزوده شده است. شبکه آبیاری این سد در حال حاضر ۵۳۰۰ هکتار از اراضی ۱۱ روستا را دربر می‌گیرد. روستاهای پایاب سد حسنلو قبلاً به صورت دیم کشت می‌شدند و با احداث سد و به‌وجود آمدن امنیت نسبی در تأمین آب برای کشاورزی، کشاورزان به کشت محصولات پرآب‌بری چون چغندر قند روی آورده‌اند. از آن روی که این سد خارج از بستر رودخانه قرار گرفته، آبیگری این سد باعث کاهش آورد رودخانه در مناطق پایین دست در چندماه از سال شده و این امر به نارضایتی‌هایی در روستاهای مجاور رودخانه در پایین دست انجامیده است.

برای بررسی هر چه بهتر این مشکلات و چون افراد حاضر در بستر و زمینه تحقیق (در اینجا اجتماع محلی روستاهای اطراف سد حسنلو) بیشترین منابع اطلاعاتی و در نتیجه، بهترین راه حل عملی را برای حل مسئله منطقه خود دارند، مطالعه‌ای برای فهم هرچه بهتر روایات مردمی در این منطقه انجام شد. توجه به این نکته مهم است که در مطالعات منابع آب، نیاز به چنین رویکردی برای تحلیل هرچه بهتر نظرهای گرداران در قبال بروز مشکلات و ارائه راهکارهای نزدیک به واقعیت دیده می‌شود. در این مقاله، از میان روش‌های تحقیق کیفی از روش نظریه زمینه‌ای به‌طور خاص بهره گرفته شده است.

نظریه زمینه‌ای، همان‌طور که استراوس^۱ و کوربین^۲ می‌گویند، نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده و در جریان پژوهش به صورت منظم گرد آمده و تحلیل شده است. از این رو، اهداف و سؤال‌های اولیه تحقیق نظریه زمینه‌ای نیز باید به شکل فرایندی، باز و انعطاف‌پذیر طرح شوند. در واقع، ماهیت روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای ایجاب می‌کند پژوهشگر موضوع و پرسش‌های تحقیق را حین تولید و تحلیل داده‌ها پالایش و تهذیب کند؛ و حتی ممکن است سؤال‌ها یا اهداف تحقیق را طی اجرای تحقیق تغییر دهد یا اصلاح کند. دورانی بودن نیز یکی از نقاط قوت این رویکرد است، چون محقق را وامی‌دارد در پرتو سایر مراحل تحقیق درباره کل فرایند تحقیق و تک‌تک مراحل آن به تأمل و بازاندیشی بپردازد (فلیک، ۱۳۹۱: ۱۱۰). به همین سبب، با انتخاب این روش، هدف یافتن ایده نزدیک به واقعیت بر اساس نظر جوامع محلی برای کمک به احیای دریاچه ارومیه بوده است که از بستر همان منطقه ظهور و بروز یافته باشد.

3. Mixed Purposive Sampling

4. Johnson, B.

5. L. Christensen

1. [https://www.google.com/search?tbo=p and tbm=bks and q=inauthor:%22Anselm+L.+Strauss%22](https://www.google.com/search?tbo=p&tbm=bks&q=inauthor:%22Anselm+L.+Strauss%22)

2. Corbin, Juliet M

در پژوهش حاضر، این نوع نمونه‌گیری حین مصاحبه‌ها در چندین مورد استفاده شد. بار نخست در روستای ممیند که ابتدا مصاحبه به صورت انفرادی شروع شد و پس از مدتی تعداد افراد مشارکت‌کننده در مصاحبه افزایش یافت، محقق سعی کرد سایرین را نیز حین پرسش و پاسخ درگیر روند مصاحبه کند و اطلاعات را به صورتی دریافت کند که پاسخ هر پاسخ‌گو به وسیله پاسخ‌گوی دیگر اصلاح، رد یا تأیید شود و به نوعی اعتبار پاسخ افزایش یابد. بار دیگر در روستای بارانی گرد از این روش بهره گرفته شد، که در این مورد، حین مصاحبه با شورای روستا یکی از کشاورزان روستا نیز درگیر روند مصاحبه شد و اطلاعاتی مناسب از وی به دست آمد.

۱-۴. نمونه‌گیری نظری

بنابه تعریف استروس و کوربین، «نمونه‌گیری نظری به معنای آن است که نمونه‌گیری بیش از آنکه پیش از پژوهش مشخص شود، در جریان پژوهش شکل می‌گیرد و مبتنی بر مفاهیمی است که از تحلیل بیرون آمده‌اند و به نظر می‌رسد به نظریه در حال تکوین ربط دارند. این‌ها مفاهیمی‌اند که الف) مکرراً در جریان تحلیل پدیدار می‌شوند؛ ب) به صورت شریطی عمل می‌کنند که صورت‌های گوناگون یا واریاسیون‌های یک مقوله عمده را ایجاد می‌کنند» (Struss and Corbin, 2012: 220). به عبارتی دیگر، «در فرایند ساخت نظریه زمینه‌ای، محقق حین انجام پژوهش به جای تکیه بر یک یا چند سؤال پژوهشی خاص و از پیش طراحی شده - که خود در قالب یک یا چند عبارت ارائه می‌شود - سؤال‌های تحقیق را در فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها طراحی کرده و سپس مسیر گردآوری داده‌های بعدی را بر اساس آنچه گلاسر^۴ و اشتراس^۵ حساسیت نظری می‌خوانند، مشخص می‌کند. این فرایند را به اصطلاح «نمونه‌گیری نظری» می‌گویند. گردآوری و تحلیل داده‌ها در نظریه زمینه‌ای توأم با استفاده از راهبرد نمونه‌گیری نظری است که تنها به نظریه زمینه‌ای تعلق دارد» (Mohammadpour, 2013a: 325).

۲. فنون گردآوری داده‌ها

پژوهشگر کیفی شخصاً و از طریق روابط رودرو با سوژه‌های تحقیق ارتباط برقرار می‌کند تا دیدگاه‌ها و ذهنیت‌های افراد را درک و فهم کرده و نگرشی هم‌دلانه^۶ داشته باشد. این اصل را قاعده غوطه‌وری^۷ می‌خوانند. به عبارتی دیگر، دستیابی

راهبرد نمونه‌گیری می‌پردازد. راهبردهای نمونه‌گیری هدفمندی که در این پژوهش استفاده شده‌اند عبارت‌اند از: نمونه‌گیری شدت^۱، نمونه‌گیری ظهوریابنده^۲ و نمونه‌گیری نظری^۳.

۱-۲. نمونه‌گیری شدت

با توجه به مسئله تحقیق و چون یکی از هدف‌های این پژوهش به نوعی بررسی فهم قومیت‌های گرد و ترک درباره اختلاف نحوه برخورداری از آب سد حسنلو نیز بود، تصمیم گرفته شد در گام نخست از دو سر طیف قومیت ترک و کرد روستای نمونه انتخاب شود و با روستائیان به صورت مجزا در دو سر این طیف مصاحبه به عمل آید. این راهبرد نمونه‌گیری، نمونه‌گیری شدت نامیده می‌شود؛ «نمونه شدت شامل موارد پراطلاعاتی است که پدیده مورد علاقه را به طور حاد (اما نه افراطی) بیان می‌کند. با استفاده از منطق نمونه‌گیری شدت، محقق در جست‌وجوی موارد عالی، پربار و نه موارد بسیار نامعمول از پدیده مورد مطالعه است» (Mohammadpour, 2013b, 32). در واقع، در این مرحله از پژوهش، نمونه با توجه به تمایز در نوع قومیت در روستاهای منطقه انتخاب شد، به طوری که در منطقه پایین دست سد حسنلو یک روستا با قومیت کرد (ممیند) و یک روستا با قومیت ترک (دورگه ارسخان) انتخاب شد. به همین ترتیب، در روستاهای زیر تاج سد نیز دو روستا یکی (بارانی عجم) از قومیت ترک و دیگری (بارانی کرد) از قومیت گرد منطقه انتخاب شد. در روستاهای بالادست سد حسنلو نیز که بیشترین بهره را از احداث سد نصیب خود کرده بودند اکثراً از قومیت ترک بودند، در نتیجه اعمال معیار فوق در مورد روستاهای بالادست چندان محل بحث نبود.

۱-۳. نمونه‌گیری فرصت‌گرا یا ظهوریابنده

نمونه‌گیری ظهوریابنده که آن را نمونه‌گیری فرصت‌گرا نیز می‌نامند «به اضافه کردن مواردی جدید به نمونه اولیه بر اساس تغییرات ایجادشده در طرح تحقیق اطلاق می‌شود که طی گردآوری داده‌ها پدید می‌آید. در این نوع نمونه‌گیری، محقق از فرصت پیش آمده طی گردآوری داده‌ها برای انتخاب موارد مهم استفاده می‌کند. فرض پارادایمی پشت سر این راهبرد نمونه‌گیری آن است که تحقیق کیفی فرایندی مداوم و درحال ظهور است و محقق ممکن است قادر نباشد پیشاپیش در مورد افراد و اشیا تصمیم بگیرد. نمونه‌گیری فرصت‌گرا به انعطاف‌پذیری در تغییر راهبرد کمک می‌کند» (Mohammadpour, 2013b, 43).

4. Glaser

5. Strauss

6. Empathic

7. Immersion

1. Intensity Sampling

2. Opportunistic or Emergent Sampling

3. Theoretical sampling

طوری که در منطقه پایین‌دست، که بیشترین میزان اضطراب را از کمبود آب احساس کرده بودند، روستایی (ممیند) از روستاهای گُرد و روستای دیگر (دورگه ارسخان) از روستاهای ترک منطقه انتخاب شد. به همین ترتیب، در روستاهای زیر تاج سد نیز دو روستای یکی (بارانی عجم) از قومیت ترک و دیگری (بارانی گُرد) از قومیت کرد منطقه انتخاب شد. در روستاهای بالادست سد حسنلو نیز، که بیشترین بهره را از احداث سد نصیب خود کرده بودند، اکثراً از قومیت ترک بودند و روستای حسنلو انتخاب شد.

۴. چارچوب نمونه‌گیری

به منظور کاربرد روش نمونه‌گیری، لازم است چارچوب نمونه‌گیری یا جمعیتی که قرار است نمونه از میان آن انتخاب شود تعریف و مشخص شود. چارچوب نمونه‌گیری یا جمعیت «انبوهه‌ای از همهٔ مواردی است که با مجموعه معیارهایی مشخص تطبیق می‌کند» (Norman Blaikie, 2012: 257). جمعیت پژوهش حاضر را روستائیان منطقه حسنلو تشکیل دادند که تحت تأثیر احداث سد حسنلو قرار گرفته‌اند.

۵. نمونه مورد مطالعه

در نظریهٔ زمینه‌ای، نمونه مورد مطالعه از ابتدا تعیین و مشخص نمی‌شود. از این رو، حین گردآوری و تحلیل داده‌های این پژوهش، مصاحبه با ۵ نفر، تحقیق را پیش برد. به عبارتی، با این تعداد نمونه، مقولات و مفاهیم عمدهٔ پژوهش شکل گرفت. در جدول ۱، مشخصات افراد مورد مطالعه آورده شده است.

۶. رویه‌های تحلیل داده‌ها

در نظریهٔ زمینه‌ای، پس از گردآوری داده‌های مصاحبه‌ای و متنی، تحلیل و کدبندی همراه با نمونه‌گیری نظری آغاز می‌شود. فرایند انجام کدبندی در نظریهٔ زمینه‌ای مبتنی بر روش مقایسه‌های ثابت است. روش مقایسه‌های ثابت به تحلیل تطبیقی بخش‌های متفاوت داده‌ها بر حسب شباهت‌ها و تفاوت‌ها اطلاق می‌شود. در فرایند کدگذاری، محقق باید به کدبندی یا مفهوم‌بندی داده‌های گردآوری شده بپردازد (Mohammadpour, 2013a: 326).

۷. کدگذاری باز^۲

نخستین مرحلهٔ تحلیل در نظریهٔ زمینه‌ای، کدگذاری باز است. کدگذاری باز به مفهوم‌بندی و مقوله‌بندی تکه‌هایی از داده‌ها تحت یک نام، عنوان یا برچسب‌هایی که به‌طور هم‌زمان هر قطعه از داده‌ها را تلخیص و تشریح می‌کند، اشاره دارد. همچنین کدبندی باز از نظر واحد تحلیل می‌تواند به‌صورت

به داده‌های کیفی از طریق مواجههٔ عینی و شخصی محقق، یعنی از طریق مصاحبه‌های رودررو، مصاحبه‌های گروهی یا انواع مشاهده صورت می‌گیرد. ماهیت متمرکز و زمان‌بر گردآوری این داده‌ها، استفاده از نمونه‌های کوچک را می‌طلبد (Mohammadpour, 2013a: 95-100). از این رو، در این پژوهش با مصاحبهٔ عمیق با شوراها و اهالی روستاهای فوق‌الذکر به گردآوری داده‌ها پرداخته شد.

نهایتاً اینکه، حین گردآوری داده‌ها «توجه به مفهوم هربرت بلومر^۱ دربارهٔ «مفاهیم حساس»^۲ می‌تواند بسیار مفید باشد. مفاهیم حساس ایده‌های اولیه را برای تعقیب و حساس‌بودن به پرسیدن برخی سؤال‌های خاص مرتبط با موضوع مطالعه به محقق پیشنهاد می‌دهد؛ بنابراین، محققان زمینه‌ای به پیروی از مفاهیم حساس بلومر، مطالعات خود را با برخی علایق پژوهشی خاص و مجموعه‌ای از مفاهیم ویژه شروع می‌کنند. این مفاهیم در کنار حساسیت نظری محقق، مسیر گردآوری داده‌ها را مشخص می‌کنند» (Mohammadpour, 2013a: 323). «حساسیت نظری» نشان‌دهندهٔ توانایی تفکر و تأمل دربارهٔ داده‌ها با اصطلاحات نظری و یک‌پارچه‌کردن دانش پیچیده در موقعیت تحقیق است (Glaser, 1978).

۳. روش نمونه‌گیری از منطقه مورد مطالعه

به‌منظور نمونه‌گیری از منطقه مورد مطالعه، دو روستا از روستاهای پایین‌دست سد حسنلو، دو روستا از روستاهای زیر تاج سد و یک روستا از روستاهای بالادست سد حسنلو انتخاب شد. دو روستای پایین‌دست روستاهای ممیند و دورگه ارسخان بودند. علت این انتخاب این بود که میزان آب در دسترس آن‌ها برای آبیاری زمین‌های کشاورزی کاهش یافته است و چاه‌هایی که حفر کرده‌اند شور شده و تعدادی از زمین‌های کشاورزی نیز به شوری گراییده است. دو روستای زیر تاج سد حسنلو روستاهای بارانی عجم و بارانی گُرد بودند. علت انتخاب این دو روستا این بود که با احداث سد حسنلو تغییری در وضعیت زمین‌های کشاورزی آن‌ها رخ نداده بود و مردم زندگی عادی قبل از احداث سد را ادامه می‌دهند. روستای بالادستی هم که انتخاب شد روستای حسنلو بود که زمین‌های دیم آن‌ها به‌واسطهٔ احداث سد و لوله‌کشی متعاقب آن به زمین آبی مکانیزه تبدیل شده است. در این روستاها پنج مصاحبه ضبط و پیاده‌سازی و مفاهیم و مقوله‌های تحقیق از فایل‌های پیاده‌شدهٔ مصاحبه استخراج شد و در فرایند تحلیل به‌کار گرفته شدند. همان‌گونه که قبلاً هم ذکر شد در انتخاب روستاها ترکیب قومیتی آن‌ها نیز در نظر گرفته شد؛

1. Herbert Blumer

2. Sensitizing Concepts

3. Open Coding

جدول ۱: مشخصات افراد مورد مطالعه

ردیف	روستای محل سکونت	نوع قومیت	موقعیت اجتماعی در روستا	وضعیت در قبال احداث سد حسنلو
۱	بارانی عجم	ترک	دهیار	خنثی
۲	بارانی گُرد	کرد	دهیار	خنثی
۳	حسنلو	ترک	دهیار	منتفع
۴	دورگه ارسخان	ترک	دهیار	متضرر
۵	ممیند	کرد و ترک	اهالی روستا	متضرر

۸. کدگذاری محوری^۱

مرحله دوم کدبندی داده‌ها را کدبندی محوری می‌نامند. «در این مرحله، مقوله‌ها به صورت یک شبکه با هم در ارتباط قرار می‌گیرند. یافتن کدهای مشترک و مقوله‌بندی محوری نیز مستلزم استفاده از روش مقایسه ثابت است. هدف این مرحله از کدبندی، بازگرداندن نظم و انسجام به داده‌های کدبندی‌شده، دسته‌بندی‌شده، ترکیب و سازماندهی میزان زیادی از داده‌ها و باز جمع کردن آن‌ها به شیوه‌های جدید است» (Mohammadpour, 2013: 335).

اجزای تشکیل‌دهنده یا به اصطلاح مؤلفه‌های نظریه زمینه‌ای این‌هاست: شرایط و روش مفهومی برای گروه‌بندی پاسخ‌هایی که به پرسش‌های «چرا»، «در کجا»، «چطور»، «چطور می‌شود که» و «چه وقت» داده می‌شود. این‌ها به اتفاق هم، ساختار را شکل می‌دهند که عبارت است از کل اوضاع و احوال یا موقعیتی که پدیده در آن جای دارد.

اعمال یا تعامل‌ها پاسخ‌های راهبردی یا معمولی‌اند که افراد یا گروه‌ها به مسائل و امور و رویدادهایی می‌دهند که تحت آن شرایط پدید می‌آیند. پیامدها نیز نتایج اعمال و تعامل‌ها هستند. پیامدها یا تبعات به ما می‌گویند در نتیجه اعمال و تعامل‌هایی که افراد و گروه‌ها تحت آن شرایطی انجام داده یا نتوانسته‌اند در پاسخ به موقعیت خاص صورت دهند، چه پیش آمده یا پیش می‌آید. پیامدها یا تبعات بخش مهم یافته‌ها را تشکیل می‌دهند (Struss and Curbin, 2012: 150). به عبارت دیگر، تعامل‌ها/ راهبردها/ فرایند عبارت‌اند از جریان کشش‌ها/ تعامل‌ها/ عواطفی که در پاسخ به رویدادها، موقعیت‌ها و مسائل روی می‌دهد. پیامدها نیز، بیانگر پیامدها و نتایج این

سطر به سطر، عبارت به عبارت، یا پاراگراف به پاراگراف یا به صورت صفحه‌ای جداگانه انجام شود. این مرحله کدبندی دو زیر مرحله کدبندی اولیه یا سطح اول و کدبندی متمرکز یا سطح دوم دارد (Mohammadpour, 2013: 227-330).

۷-۱- کدگذاری اولیه یا سطح اول

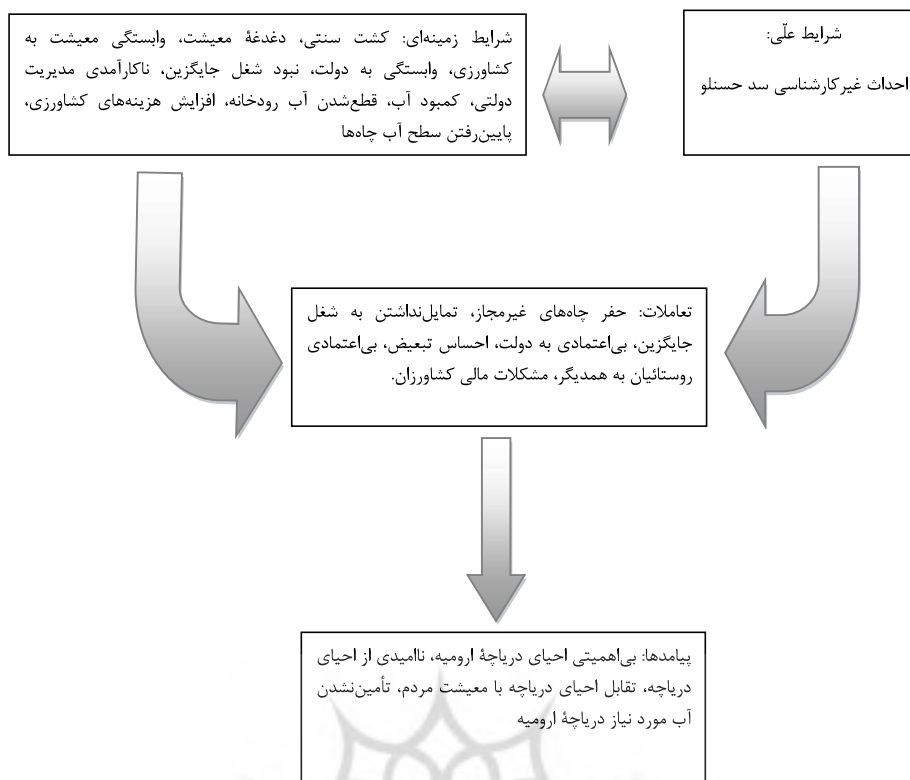
در این مرحله، پژوهشگر بر اساس واحد کدبندی، به هر واحد مورد نظر یک کد (مفهوم، نام، برچسب) الصاق می‌کند. این مفهوم باید بتواند فضای مفهومی آن را تا حد امکان اشباع کند. مفاهیم یا کدهای به دست آمده در این مرحله، سنگ بنای مقوله‌های عمده بعدی را شکل می‌دهد. کدهای اولیه باید ماهیتی مشروط، مقایسه‌ای و ریشه‌یافته در داده‌ها داشته باشند (ibid: 331). در این مرحله و با تجزیه و تحلیل داده‌ها، در مجموع، ۴۸۱ مفهوم به دست آمد.

۷-۲- کدگذاری سطح دوم یا متمرکز

کدبندی متمرکز «یعنی استفاده از معنادارترین یا فراوان‌ترین کدهای اولیه برای غربال کردن و تقلیل میزان زیادی از داده‌ها. در این مرحله از کدبندی، محقق ضمن مراجعه به شرح واژه‌های هر کد و مقایسه کدها با همدیگر درصد شناسایی کدهای متداخل و مشابه است، محقق با تعیین و مرتب کردن کدها یا مفاهیم، کدهای مشابه و مشترک را در قالب مقوله‌ای واحد قرار می‌دهد؛ بنابراین، انبوه داده‌ها (کدها-مفاهیم) به تعداد مشخص و محدودی از مقوله‌های عمده کاهش می‌یابد. از این رو، هر مقوله در برگیرنده تعدادی از کدهای مشابه، متداخل و هم‌معنا است» (ibid: 333). در این مرحله، مفاهیم به دست آمده به مقوله کلی تقلیل داده شد. در این مرحله با انتزاعی تر کردن کدهای سطح اول در مجموع ۲۱ مقوله به دست آمد که شرح آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: مقوله‌های عمده به دست آمده در رابطه نگرش اهالی متأثر از سد حسنلو در نطقه

مقوله‌ها	مفاهیم
اشتباه در احداث سد	بی‌فایده بودن سد، هزینه گزاف احداث سد، اقدام بدون فکر برای ساخت سد، احداث غیرکارشناسی سد، احداث اشتباه سد، بی‌فایده خواندن سد حسنلو
ناکارآمدی و ضعف مدیریت دولتی منطقه	نبود آینده‌نگری مسئولان، انتقاد به سیاست‌های دولت درباره زمین‌های منطقه، مقصدانستن دولت برای آبی کردن زمین‌ها، دولتی دانستن مشکل کم‌آبی روستائیان، ناکارآمدی مسئولین ادارات منطقه، اعمال مدیریت غلط بر آب، مدیریت ناکارآمد، نارضایتی از مسئولان دولتی، ضعف مدیریت دولتی
بی‌اعتمادی به دولت	مقصدانستن مسئولان منطقه، بدبینی به مسئولان منطقه، عمل تبعیض‌آمیز دولت، بی‌اعتمادی به دولت، احساس اغفال شدن از سوی دولت، بی‌اعتمادی به مسئولین
دغدغه معیشت	داشتن دغدغه گذران زندگی روزمره، نگرانی در مورد معیشت سالانه، نگرانی در مورد معیشت، نگرانی معاش روزمره، نگرانی در مورد گذران زندگی، درآمد پایین
تقابل احیای دریاچه با معیشت مردم	بهبود احیای دریاچه با معیشت مردم، بی‌اساس دانستن دغدغه دولت برای احیای دریاچه
نبود شغل جایگزین	نبود شغل در منطقه، وجود بیکاری، نداشتن سرمایه برای شغل جایگزین
تمایل نداشتن به شغل جایگزین	امتناع از پذیرش شغل جایگزین
وابستگی معیشت مردم به کشاورزی	حرفه کشاورزی، کشاورزی بودن منطقه، وابستگی به زمین‌های کشاورزی
بی‌اهمیتی دریاچه برای روستائیان	تقنی دیدن دریاچه، در اولویت نبودن دریاچه
بی‌اعتمادی روستائیان به هم	مقصدانستن روستائیان هم‌جوار، احساس بی‌اعتمادی به یکدیگر
احساس تبعیض	منفعت روستاهای بالادست، متضرر شدن روستاهای پایین‌دست، احساس تبعیض به روستائیان بالادست
کمبود آب	تغییرات آب‌وهوا، کاهش بارش، خشک شدن چشمه‌ها، کم‌آبی
کشت سنتی	غرقابی کردن زمین‌ها، مکانیزه‌نشدن زمین‌ها، اتلاف آب، زیادبودن زمان آبیاری، درخواست مکانیزه کردن زمین‌ها
مشکلات مالی	نبود بودجه، هزینه زیاد مکانیزاسیون، درآمد پایین کشاورزان، نبودکمک مالی دولت به کشاورزان
وابستگی به دولت	اتکا به دولت، نیاز به حمایت دولت، نیاز به مدیریت کارآمد دولتی، وابستگی به نهادهای دولتی
پایین رفتن سطح آب چاه‌ها	نیاز به حفر عمیق‌تر چاه‌ها، پایین رفتن آب چاه‌ها، نیاز به وسایل قوی‌تر برای بالاآوردن آب از اعماق زمین
حفر چاه‌های غیرمجاز	تعدد حفر چاه‌ها، حفر چاه برای هر مزرعه، وجود چاه‌های غیرمجاز فراوان
افزایش هزینه‌های کشاورزی	گران شدن نهادهای کشاورزی
قطع شدن آب رودخانه	قطع شدن جریان آب، خشک شدن گذار، بستن آب رودخانه
خشک شدن دریاچه	خشک شدن دریاچه ارومیه، وجود ذرات ریزگرد در هوا
ناامیدی از احیای دریاچه	مرده‌نشدن زنده، بی‌حاصل بودن اقدام برای احیای، تمام شدن کار دریاچه



نمودار ۱: کدگذاری محوری

تعامل‌ها و تحت تأثیر شرایط مربوط به آن‌ها است» (Moham-madpour, 2013: 329-30). در این مرحله، به پیوند منطقی مقوله عمده به دست آمده پرداخته شده است که در قالب نمودار ۱ مشخص است.

می‌فرمایید منطقی است ولی روستایی درآمد سالیانه دارد و نه ماهیانه و درآمدهای محدود سالیانه دارد. با زمین‌های محدودی که مردم دارند احتمال اینکه کفاف زندگی کشاورز را بکنند بسیار ضعیف است».

• کشت سنتی:

مصاحبه‌شونده از روستای حسنلو: «زمین‌های کشاورزی همان سیستم غرقابی اند».

مصاحبه‌شونده از روستای بارانی‌گرد: «کشت ما به صورت سنتی است. اخیراً تعداد بسیار کمی مکانیزه شده‌اند ولی این تعداد بسیار محدودند».

• وابستگی معیشت به کشاورزی:

مصاحبه‌شونده از روستای ممیند: «الآن این پیرمردهای روستاهایی نمی‌توانند کار دیگری انجام دهند و کشاورز صرف هستند».

مصاحبه‌شونده از روستای دورگه ارسخان: «همه مردم کشاورزند و یا اینکه منبع درآمد آن‌ها از کشاورزی تأمین می‌شود (غیرمستقیم مربوط به کشاورزی می‌شود)؛ اگر کشاورزی ممکن باشد همه کشاورزی خواهند کرد».

• دغدغه معیشت:

مصاحبه‌شونده از روستای بارانی عجم: «من که یک کشاورز هستم و نه دکتر نه مهندس باید یک معاشی برای خود دربیآورم. مجبور هستم که زمین را کشت کنم و برای زمین با چنگ و دندان هم اگر باشد، از زمین آب بالا بکشم».

مصاحبه‌شونده از روستای ممیند: «بعضی از مردم چنان به فلاکت دچار شده‌اند که حتی پول خرید نان خالی را هم ندارند؛ برخی زمین‌های کشاورزی را ول کرده و رفته‌اند».

مصاحبه‌شونده از روستای دورگه ارسخان: «چیزی که شما

• وابستگی به دولت:

یکی دیگر از مقوله‌های استخراج شده از مصاحبه انجام شده وابستگی اهالی منطقه به منابع دولتی است که به‌انحاء مختلف در ذهن مردم نمود پیدا کرده است.

مصاحبه‌شونده از روستای بارانی‌گرد: «باید دولت به کشاورزان امتیاز بدهد»؛ «اگر دولت همکاری نکند، فکر نکنم که مردم

بتوانند کاری انجام بدهند».

زمین ته‌نشست شود».

• نبود شغل جایگزین:

نبود شغل جایگزین در منطقه نیز از دیگر مقوله‌های بیان‌شده در مصاحبه‌ها بود؛ خود همین عامل یکی از عواملی است که سبب تمایل نداشتن به شغل جایگزین شده است زیرا در نبود شغلی غیر از کشاورزی، کشاورز تصوری از داشتن شغل جایگزین در ذهن ندارد. مصاحبه‌شونده از روستای دورگه ارسخان: «هیچ اشتغال دیگری در دسترس نیست؛ به‌خصوص در این روستا».

• ناکارآمدی مدیریت دولتی:

یکی از مقوله‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها انتقاد اهالی منطقه به ضعف در مدیریت مسئولان دولتی منطقه بود. در واقع، اهالی از طرفی وابسته به دولت‌اند و از طرفی به مسئولین دولتی به‌خاطر ناکارآمدی انتقاد دارند.

مصاحبه‌شونده از روستای ممیند: «مسئولین نرده هیچ کاری برای ما انجام نمی‌دهند. چرا کل روستاهای مهاباد کانال‌کشی دارند، همه آب دارند ولی ما باید از تشنگی بمیریم؟! مسئولین نرده هیچ کاری برای ما انجام نمی‌دهند؟! ما بی‌چهار بودیم گفتند ما برای شما سد می‌سازیم ولی کجاست؟ گفتند کانال‌کشی می‌کنیم ولی کجا؟ چرا روستاهای مهاباد همه روستاهایش آب دارد، ولی ما نداریم. آن‌ها حتی چاه هم حفر نمی‌کنند چون آب دارند». مصاحبه‌شونده از روستای بارانی عجم: «دولت منابع را داده است ولی بر امور آب مدیریت نمی‌کند. مدیر وقتی به مزرعه می‌آید فقط چند عدد را کنترل می‌کند و می‌رود».

مصاحبه‌شونده از روستای بارانی کُرد: «به نظر من یک مدیریت قوی لازم است».

• کمبود آب:

مصاحبه‌شونده از روستای بارانی عجم: «هم‌اکنون با مشکل آب مواجهیم».

مصاحبه‌شونده از روستای ممیند: «چون آب نداریم، کل زمین‌های ما شوره‌زار شدند و قابلیت استفاده ندارند؛ همه زمین‌های کشاورزی از بین رفته‌اند و باید گفت تنها ۲۰ درصد از زمین‌های کشاورزی قابل استفاده‌اند».

• قطع شدن آب رودخانه:

مصاحبه‌شونده از روستای ممیند: «وقتی رودخانه گدار جاری نباشد و از طرف دیگر هم دریاچه درحال خشک‌شدن باشد، طبیعی است که چاه‌های آب شور شوند».

مصاحبه‌شونده از روستای حسنلو: «الآن چاه‌های مردم خشک شدند چون آب را رها نمی‌کنند تا به رودخانه جاری شود و در

• افزایش هزینه‌های کشاورزی:

مصاحبه‌شونده از روستای دورگه ارسخان: «اکنون که سطح آب چند متر پایین‌تر رفته است، دو روز یک‌بار نیاز به تعویض روغن هست؛ تعویض روغن ۳۰ هزار تومان هزینه دارد. ولی وقتی از آب رودخانه آب با موتور آب می‌کشیدیم، هفته‌ای یک‌بار نیاز به تعویض روغن بود».

• پایین رفتن سطح آب چاه‌ها:

مصاحبه‌شونده از روستای حسنلو: «قبل از احداث سد، آب چاه‌ها در ۵ الی ۶ متری زمین بود و با پمپ به‌راحتی آب استخراج می‌شد. در حال حاضر روزبه‌روز سطح آب چاه‌ها پایین می‌رود و به ۱۰ تا ۱۵ متری رسیده است».

• حفر چاه‌های غیرمجاز:

مصاحبه‌شونده از روستای ممیند: «اینجا هرکسی برای خودش یک چاه کنده و آب را بالا می‌کشد». مصاحبه‌شونده از روستای بارانی کُرد: «بله. چاه حفر می‌کنند اما این کار غیرقانونی است. شما چنین فرض کنید که کسی که یک زمین نیم هکتاری دارد، چاه حفر کرده است؛ مثلاً همسایه من برای نیم هکتار زمین یک چاه حفر کرده است».

• تمایل نداشتن به شغل جایگزین:

مصاحبه‌شونده از روستای ممیند: «حرف مردم این است که این مشاغل از امنیت و پایداری شغلی برخوردار نیستند و در انتخاب این مشاغل تردید دارند چون تابه‌حال چنین کاری را نه دیده‌اند و نه انجام داده‌اند».

«ما هرکدام یکی دو هکتار زمین داریم و دست برداشتن از آن‌ها غیرممکن است».

مصاحبه‌شونده از روستای دورگه ارسخان: «به فرض من به شهر بروم که چه کار کنم؟ با سیگارفروشی امکان امرارمعاش وجود دارد؟»

• بی‌اعتمادی به دولت:

در نتیجه تعاملات بین مردم محلی و مسئولان دولتی نوعی رابطه بیرونی مبتنی بر بی‌اعتمادی بین آن‌ها شکل گرفته است. به‌طوری‌که اهالی در زمان صحبت از مسئولین دولتی از افعال ما و آن‌ها استفاده می‌کنند و به نوعی، مسئولین دولتی را برخاسته از بدنة مردم نمی‌دانند و به آن‌ها اعتمادی ندارند.

مصاحبه‌شونده از روستای بارانی عجم: «به من یک تراکتور داده‌اند با ۱۷ درصد روی کاغذ، ولی من با ۳۸ درصد قسط

• مشکلات مالی کشاورزان:

در منطقه مورد مطالعه، به‌رغم رونق کشاورزی، اهالی در صحبت‌هایشان از مشکلات مالی به‌وجودآمده برای آن‌ها شاکی بودند.

مصاحبه‌شونده از روستای بارانی‌گرد: «من در مورد خودم می‌گویم، ۲ هکتار و خرده‌ای به‌صورت نصف‌به‌نصف کاشت کرده‌ام با صاحب زمین، یک گاو داشتم فروخته‌ام، هرچقدر پول داشته‌ام خرج کرده‌ام، الآن بدهکار هستم».

«شما فکر می‌کنید که ما این همه خود را اذیت می‌کنیم و عرق می‌ریزم به‌خاطر سروری است، به‌خاطر بدبختی ماست، خداوکیلی از بدبختی ماست».

مصاحبه‌شونده از روستای دورگه ارسخان: «مردم درآمد دیگری ندارند و گندم کفاف زندگی آن‌ها را نمی‌کند و آن‌ها مجبور به انجام این کار هستند».

• بی‌اهمیتی احیای دریاچه ارومیه:

در منطقه حسنلو، به‌رغم اینکه نزدیک‌ترین فاصله را با دریاچه ارومیه در مقایسه با سایر مناطق دارد، مردم چندان اهمیتی برای دریاچه در زندگی روزمره‌شان قائل نیستند و معاش و گذران زندگی حال برایشان اهمیت بسیار بیشتری دارد.

مصاحبه‌شونده از روستای دورگه ارسخان: «ما هر سال در این مواقع برای شنا به دریاچه می‌رفتیم. شهری‌ها هم به دریاچه می‌روند و ما هم سالیانه یک‌بار به آنجا می‌رفتیم؛ که متأسفانه دریاچه هم خشک شد، دیگه کجا آب برای شنا گیر بیاوریم.» «خنده»

مصاحبه‌شونده از روستای حسنلو: «واقعیتش را بخواهید مردم اصلاً به فکر دریاچه ارومیه نیستند».

• ناامیدی از احیای دریاچه:

در مصاحبه‌های صورت‌گرفته با اهالی مشخص شد مردم منطقه چندان امیدی به احیای دریاچه ندارند.

مصاحبه‌شونده از روستای حسنلو: «با این اوصاف چطور می‌توانند دریاچه را احیا کنند؟»، «چطور می‌توانند کاری از پیش ببرند؟ چه اقدامی می‌توانند انجام دهند؟ مرده را چطور می‌شود زنده کرد؟».

مصاحبه‌شونده از روستای بارانی‌عجم: «عملاً دریاچه مرده است».

• تقابل احیای دریاچه با معیشت مردم:

مصاحبه‌شونده از روستای بارانی‌عجم: «اگر راه چاره‌ای برای آن بگوییم آن راه چاره برمی‌گردد به خودمان، یعنی باید خودمان فدا شویم».

مصاحبه‌شونده از روستای دورگه ارسخان: «مردم می‌گن دریاچه

پرداخت می‌کنم. چه کار کنم؟ آیا می‌توانم در طرح دیگری هم با دولت همکاری کنم؟ اگر شما باشید، خواهید توانست؟ تراکتور باغی آورده‌ام ۹۵۰، در موقع آب‌بندی خراب شده است. وقتی آن را به نمایندگی بردیم، گفتند که قطعه ندارند، دو هفته صبر کردم که از تبریز قطعه بیاورند، آیا از تبریز تا اینجا ۲ هفته طول می‌کشد؟ به ترکیه زنگ می‌زنیم برای دریافت یک پوستر، در عرض ۴۸ ساعت با پست به دست ما می‌رسد. ما در این زمینه به اندازه‌نوک سوزن هم اعتماد نداریم. دولت و ادارات همه برای کسی کار می‌کنند که برادرش آنجا کار کند؛ حداقل یک آبدارچی در سازمان داشته باشد؛ بقیه بیگانه‌اند. باید با دولت خواهر یا برادر باشید؛ عمه و عمو باشید؛ با تو کاری ندارند. حرف‌هایی را هم که دولت می‌زند، فقط روی کاغذ است، هیچ‌کدام اجرایی نشده است. هر چیزی که زوری باشد دولت آنجاست. کشاورز حرف بزند، چاهش را پر خواهند کرد، اولین قدم دادگستری می‌آید، پاسگاه می‌آید، امور آب می‌آید، جهاد می‌آید؛ دیگر چیزی نمانده است که از امام‌جمعه هم نمایندگی بگیرند که چاه‌ها را پر کنند».

مصاحبه‌شونده از روستای بارانی‌گرد: «این دریاچه بهانه‌ای است برای کشاورزان»، «آن‌ها می‌خواهند برای ما ناراحتی درست کنند».

• احساس تبعیض:

احساس تبعیض یکی از مقوله‌هایی است که در صحبت‌های مردم بومی منطقه به آن اشاره می‌شد. عموم مردم به اهالی بالادست سد حسنلو احساس تبعیض منفی می‌کردند و خود اهالی روستای حسنلو نیز از این احساس تبعیض اطلاع داشتند.

مصاحبه‌شونده از روستای ممیند: «زمین‌های دیم را به آبی و آبی‌ها را به دیم تبدیل کرده‌اند».

«من در این باره مطمئن نیستم، اما از سال ۸۳ به بعد، منطقه را از محمدیار به این طرف ویران کرده‌اند؛ مناطق بالادست را به آبیاری تحت فشار تبدیل کرده‌اند و آب را از ما قطع کرده‌اند».

مصاحبه‌شونده از روستای دورگه ارسخان: «به زمین‌های دیمی آب می‌دهند و اکنون زمین‌های آبیاری ما به دیم تبدیل شده است».

• بی‌اعتمادی روستائیان به همدیگر:

مصاحبه‌شونده از روستای بارانی‌گرد: «نه وضعیت آب روستائیان پایین به این صورت نیست. آن‌ها هم آب دارند».

مصاحبه‌شونده از روستای دورگه ارسخان: «آن‌ها اکثراً شهرنشین‌اند، چندشغله‌اند، کارمند دولت‌اند و بالاخره در شهر که پول مفت به کسی نخواهند داد، آن‌ها آنجا به کارهایی دیگر مشغول‌اند. مثل ما روستائیان نیستند. کسی که در شهر نشسته به روستا نیازی ندارد و اینکه آب مردم را مصرف می‌کنند را باید مسئولان پاسخگو باشند».

و تالاب خشک شدن، به جهنم! من اکنون مشکل فقر دارم». مصاحبه‌شونده از روستای حسنلو: «بینید اتفاقی که افتاده است، راه بازگشتی ندارد. اگر مرده زنده شود دریاچه هم احیا می‌شود. یک‌راه هم این است که آب از دریاچه مازندران برای احیای دریاچه انتقال دهند. لوله‌کشی که در این اراضی دیم برای ما صورت گرفته به‌وسیله وام پرداختی دولت انجام شده است. من قسط وام را چطور پرداخت کنم؟» (ترس نرسیدن آب به کشاورزان)».

• تأمین نشدن آب مورد نیاز دریاچه ارومیه:

جمع عوامل و مقوله‌های ذکر شده در ذهن اهالی منطقه باعث شده بود در صحبت‌هایشان دریاچه ارومیه را خشک‌شده بدانند و با عناوین مختلف به خشک‌شدن آن اشاره کنند و بر این اساس تمایل و تلاشی برای تأمین حق به آن نداشته باشند. مصاحبه‌شونده از روستای ممیند: «از هیچ نقطه‌ای آب به دریاچه وارد نمی‌شود». مصاحبه‌شونده از روستای حسنلو: «هم‌گرم و هم‌احداث سدها باعث خشک‌شدن دریاچه ارومیه شده‌اند».

۱۰ - کدگذاری گزینشی^۱

پس از کدبندی محوری، مرحله نهایی یعنی کدبندی گزینشی آغاز می‌شود. در این مرحله، نظریه تقریباً به استحکام رسیده است و محقق بعد انجام برخی اصلاح‌های نظری ممکن، با مقوله‌های اندکی سروکار دارد. فرایند نظریه‌سازی زمینه‌ای در مرحله کدبندی گزینشی تقریباً به اتمام می‌رسد. در این مرحله، محقق با تعداد اندکی از مقوله‌های انتزاعی به تدوین نظریه می‌پردازد و نیازی به کدبندی داده‌های جدید ندارد. مقوله‌های مورد استفاده به لحاظ نظری اشباع شده‌اند و هر کدام بر اساس مفاهیم کدبندی شده مراحل اول و دوم به‌صورت منطقی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. سپس، محقق باید مقوله هسته^۲ را انتخاب کند. مقوله هسته به دو شیوه انتخاب می‌شود: در شیوه اول، محقق ممکن است یکی از مقوله‌های موجود را گزینش کند و در شیوه دوم، وی باید به تعیین و ساخت مقوله‌ای جدید اقدام کند؛ انتخاب مقوله هسته در مرحله کدبندی گزینشی مستلزم بررسی دقیق داده‌ها و کدهای دو مرحله قبلی است (Mohammadpour, 2013: 340). مقوله هسته در این تحقیق، داشتن نگرش «خیرمحدود»^۳ به منابع منطقه است. در واقع، به نظر محقق این مقوله از نظر مفهومی، دربرگیرنده دیگر مقوله‌ها نیز است.

مفهوم خیرمحدود را اولین بار فاستر^۴ به‌کار گرفت. این مفهوم از نظر فاستر سه مفروض را در مورد جامعه دهقانی با خود به همراه دارد. اولین مفروض این است که از دیدگاه دهقانان همه چیزهای مطلوب از قبیل ثروت، سلامتی، جایگاه و... در مقداری معین و محدود وجود دارد. دومین مفروض می‌گوید دهقان احساس می‌کند منابع در دسترسش قابل گسترش نیست، و نهایتاً سومین مفروض این است که پیشرفت در قالب محروم کردن دیگران از منابع دیده می‌شود و بنابراین، سایرین تهدیدهایی برای اجتماع‌اند و باید تحریم شوند (Kennedy, 1965: 294). به نظر می‌رسد در منطقه حسنلو دو مفروض اولیه در نظریه خیرمحدود فاستر بسیار مشهود است. در این منطقه از نظر اهالی آب منبعی محدود و معین فرض شده است که بایستی بیشترین میزان بهره را از آن برد و اگر دیگر کشاورزان از این منبع محدود بهره ببرند از سهم سایرین کاسته می‌شود. در نتیجه این وجه نظر، هر کشاورز با حفر چاه‌های غیرمجاز در تعداد زیاد و با استفاده از وسایل قوی استخراج آب از اعماق زمین درصدد بهره‌گیری از این منبع محدود (آب) است.

نتیجه‌گیری

مدیریت اصولی و پایدار عرصه‌های منابع طبیعی مستلزم یکپارچگی اقدامات، همراه با پذیرش و مشارکت مؤثر مردم است. اثربخشی سیاست‌های اتخاذ شده از سوی نهادهای دولتی مدیریت آب، زمانی بیشتر و به موفقیت نزدیک‌تر خواهند بود که سیاست اخذ شده در بستری از تعامل بین تمام ذی‌نفعان محلی پا گرفته باشد. یکی از مسائلی که عموماً در امر سیاست‌گذاری در حوزه آب نادیده گرفته شده است جنبه اجتماعی اقدامات در حوزه آب است. شناسایی توازن‌ها و هم‌افزایی میان آب و اجتماع محلی می‌تواند آثار سیاست‌های وضع شده را در تمام بخش‌ها بهتر و از بروز بعضی آثار نامطلوب اجتماعی جلوگیری کند. پژوهش حاضر تلاشی برای مدنظر قراردادن ذهنیت جامع محلی و منافع آن‌ها درباره مسئله آب است. نتایج پژوهش حاضر، درباره روایت اجتماع محلی از مسئله، حاکی از این امر است که در ذهن جامعه محلی منطقه حسنلو ساخت سد در تعامل با وضعیت موجود منطقه سبب ایجاد مشکلاتی شده که پیامد این مشکلات به کاهش حجم آب دریاچه و بی‌تفاوتی مردم به احیای آن منجر شده است.

در واقع، در ذهن مردم منطقه تعامل شرایط ساختاری ساخت سد و عواملی مانند کشت سنتی، وابستگی معیشت به کشاورزی، نبود شغل جایگزین، پایین رفتن سطح آب چاه‌ها و ناکارآمدی مدیریت دولتی، کمبود آب، قطع شدن آب رودخانه، افزایش

1. Selective Coding

2. Core Concept

3. Limited Goods

4. Foster

حقوق استفاده‌کنندگان قبلی از آن آب باشد.

• متأسفانه آب در وضعیت ساختاری و نهادی امروز کشور قیمتی متناسب با ارزش خود ندارد. اگرچه قیمت‌دارکردن آب فرایندی بسیار سخت است و نیازمند زمان، ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز و همراه‌کردن جامعه و سایر ذی‌مدخلان است، در کوتاه‌مدت می‌توان ارزشمندبودن آب را در جامعه نهادینه کرد. اما متأسفانه بسیاری از اقدامات دولتی مانند آنچه در پروژه سد حسنلو دیده می‌شود (انتقال آب ارزشمند به زمین‌های بی‌کیفیت و کم‌بازده) و یا هدررفت بی‌رویه آب در زمین‌ها و زیرساخت‌های در اختیار دولت، به افزایش بی‌تفاوتی جامعه درقبال ارزش آب منجر می‌شود. در این مورد نیز دیده می‌شود، انجام پروژه‌های عظیم و صرف آب بسیار زیاد برای تولید محصولات کشاورزی کم‌ارزش به بی‌اعتمادی بخش بزرگی از جامعه به طرح‌های کاهش مصرف آب می‌انجامد. در این راستا باید اصلاحات ساختاری و نهادی مورد نیاز در جهت شفاف‌تر شدن و بهینه‌سازی مصرف آب در چنین مواردی و نشان‌دادن ارزشمندی آن اعمال شود.

• هرگونه اقدام در راستای مدیریت منابع آب باید تمام جوانب را در نظر گرفته باشد. برای مثال، تأمین آب برای کشاورزان بدون اندازه‌گیری مصرف آن‌ها، اعمال الگوی کشت مناسب، قیمت‌گذاری تشویقی برای کاهش مصرف و ... ممکن است به مصرف بیش‌از اندازه آب منجر شود.

منابع

استراس، آ و کوربین، ج. (۱۳۹۱). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نشر نی، چاپ دوم.

بلیکی، ن. (۱۳۹۱). طراحی پژوهش‌های اجتماعی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی، چاپ ششم.

بلیکی، ن. (۱۳۹۲). استراتژی‌های پژوهش اجتماعی. ترجمه هاشم آقابیک پوری. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ دوم.

طالع شایان، س.، و هاشمی، م.، و بهرامی، ج. (۱۳۹۵). «حکمرانی خوب آب، راهکاری برای توسعه پایدار و امنیت ملی در ایران». ششمین کنفرانس مدیریت منابع آب، سنندج، کردستان.

محمدمپور، احمد. (۱۳۹۲ الف). روش تحقیق کیفی ضدروش ۱: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ دوم.

محمدمپور، احمد. (۱۳۹۲ ب). روش تحقیق کیفی ضدروش ۲. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ دوم.

Glaser, B. G. (1978). *Theoretical sensitivity*, mill valley, Ca: sociological press.

Kennedy, John G. (1966): "Peasant society and the image of limited good: a critique", *American anthropologist*, volume 68, issue 5, October 1966, pages 1212-1225.

هزینه‌های کشاورزی، پایین‌رفتن سطح آب چاه‌ها موجب شده است مردم محلی با مشکلات مالی مواجه شوند. شرایط ساختاری فوق‌همچنین سبب ایجاد پدیده‌هایی مانند حفر چاه‌های غیرمجاز، تمایل نداشتن به شغل جایگزین، بی‌اعتمادی به دولت و احساس تبعیض در مردم منطقه شده است.

پیامد پدیده‌های منتج از شرایط ساختاری در ذهنیت مردم منطقه حسنلو بی‌اهمیت‌بودن احیای دریاچه ارومیه، ناامیدی از احیای آن و حتی در تقابل دیدن احیای دریاچه با معیشت و زندگی روزمره‌شان بوده است. نتیجه نهایی این روند کاهش محسوس آبرسانی از این منطقه به دریاچه ارومیه است. با در نظر گرفتن تمام عوامل ذکر شده و همچنین پیامدهای منتج از آن‌ها این‌گونه به نظر می‌رسد که وجه نظر مردم این منطقه به منابع تابع نظریه خیرمحدود فاستر است. در این منطقه از نظر اهالی آب منبعی محدود و معین فرض شده است که بایستی بیشترین میزان بهره را از آن برد و اگر دیگر کشاورزان از این منبع محدود بهره ببرند از سهم سایرین کاسته می‌شود. در نتیجه این وجه نظر، هر کشاورز با حفر چاه‌های غیرمجاز در تعداد زیاد و با استفاده از وسایل قوی استخراج آب از اعماق زمین درصدد بهره‌گیری از این منبع محدود (آب) است.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از تحقیق، پیشنهادهای سیاستی زیر برای بهره‌گیری در امور سیاست‌گذاری در بخش آب قابل توصیه و تأمل خواهند بود:

• هرگونه مداخله در یک منطقه باید با حداکثر مشارکت مردم انجام شود. از طرفی بدون در نظر گرفتن نظرهای جامعه محلی ممکن است پیامدهایی پیش‌بینی نشده در هر طرحی به‌وجود آید. از طرف دیگر، بهترین پروژه‌ها و اقدامات بدون دخیل کردن مردم در تصمیم‌گیری و اجرا، موجب تلاش نکردن برای حفظ، استفاده بهینه و نگهداری از آن خواهد شد. علاوه‌براین، همان‌گونه که در مورد منطقه حسنلو نیز دیده شد، اجرای پروژه‌ها در فرایندهای غیرمشارکتی موجب به‌وجود آمدن پیامدهایی پیش‌بینی نشده همچون نظرهای منفی ذی‌نفعان مبنی بر تبعیض‌آمیز بودن و ناعادلانه‌بودن طرح‌ها خواهد شد.

• مدیریت منابع آب اساساً امری اجتماعی و سیاسی است. برای کاهش استفاده نامطلوب از این منبع نیاز است که تاحدممکن تصمیم‌گیری در این زمینه به مردم سپرده شود و دولت و نهادهای مدنی حداکثر نقش نظارتی ایفا کنند. این امر در فضایی شفاف و با مشارکت تمام ذی‌نفعان صورت می‌گیرد.

• در طرح‌های مدیریت منابع آب، سهم محیط‌زیست در مقام ذی‌نفع اساسی باید در نظر گرفته شود. در نظر نگرفتن این سهم از سوی دولت‌مردان موجب می‌شود اهمیت این موضوع برای جامعه نیز از بین برود.

• هرگونه مداخله در جریان آب باید با در نظر گرفتن سهم و



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی